بررسی چگونگی شکل‌گیری حسب‌حال‌نویسی تخیلی متأثر از نظریه‌های کوانتومی در آثار ژرژ پرک

فریده علوی*
دانشیار دانشکدهٔ زبان‌ها و ادبیات خارجی، دانشگاه تهران، ایران

سهیلا سعیدی**
کارشناس ارشد زبان و ادبیات فرانسه، دانشگاه تهران، ایران

(تاریخ دریافت: ۸۸/۶/۱۰، تاریخ تصویب: ۸۸/۸/۱۲)

چکیده

نظریه‌های جنجالی فیزیک مدرن دگرگونی‌های شگرفی را در ادبیات سدهٔ بیستم پی افکندند. رمان‌نویسان نوآور این دوره، با الهام از مفاهیم مکانیک کوانتومی، دغدغه‌های برامده از زیستن در دنیای مدرن را در قالب نوشتاری غیرخطی، ناهمگون و مبتنی بر تردید بیان می‌کنند. ژرژ پرک، با نگارش شرح حال زندگی خود، با عنوان *W یا خاطرهٔ کودکی*، نمونهٔ خوبی از الگوبرداری از نظریه‌های کوانتومی را ارائه می‌دهد. این نویسنده در جستجوی هویت خویش، خاطرات کودکیش را می‌کاود و ماهیت آشفته و بی‌انسجام آن‌ها را نمایان می‌سازد. وی برای نشان دادن تأثیر ویرانگر جنگ بر هویت خویش، با در هم آمیختن خاطرات کودکیش و داستانی تخیلی، مکمل‌هایی متناقض را پدید می‌آورد. نیز با تردید در خاطراتش و توسل به اسناد قدیمی و گفته‌های دیگران، عدم قطعیت و احتمال‌گرایی را بر شرح حال زندگی خود حاکم کرده و شرح صادقانهٔ وقایع را ناممکن می‌نمایاند. این عملکرد، نگاه نویسنده به ادبیات و دریافت او از ژانر حسب حال نویسی را روشن می‌کند.

واژه‌های کلیدی: حسب حال نویسی، خاطرهٔ کودکی، روایت، واقعیت، تخیل، کوانتوم.

*تلفن: ۶۱۱۱۹۰۱۳-۰۲۱، دورنگار: ۸۸۶۳۴۵۰۰-۰۲۱، E-mail: falavi@ut.ac.ir
**تلفن: ۶۱۱۱۹۰۱۳-۰۲۱، دورنگار: ۸۸۶۳۴۵۰۰-۰۲۱، E-mail: soheila.saeedi@gmail.com

Archive of SID
www.SID.ir

مقدمه

سال‌هاست که رابطهٔ میان علوم ریاضی و ادبیات موضوع آثار نویسندگانی همچون پل برافور (Paul Braffort)، کنو (Queneau)، روبو (Roubaud)، کلود برژ (Claude Berge)، مارسل دوشان (Marcel Duchamp) و پرک (Perec) گردیده و به پیدایش واژگانی مانند الگوریتم ادبیات (Literalgorithmic) در این عرصه انجامیده است. پل برافور در کتاب خود با عنوان *علم و ادبیات* (۱۹۹۹، فصل اول)، طی مثال‌های متعددی به تحلیل آثار نویسندگانی می‌پردازد که با ایجاد ارتباط میان علم و ادبیات گامی مهم به سوی مدرنیته برداشته‌اند. از جملهٔ این علوم که ادبیات مدرن اروپا همواره از آن بهره گرفته، فیزیک مدرن است. نسبیت، التقاط‌گرایی، محتمل‌گرایی، عدم قطعیت، امکان‌پذیری یا امکان‌ناپذیری، جهش در ترازهای انرژی و غیره، اصول و نظریاتی‌اند که با ایجاد تحول در تلقی همگان از هستی و انسان، چشم‌اندازهای نوینی را پیش روی هنرمندان این عصر گشوده و به ظهور جنبش‌هایی ساختارشکن چون رمان نو منجر شدند. نویسندگان نوگرا با الهام از این الگوها، دگرگونی‌های شگرفی را در مفاهیم زمان، مکان، روایت و شخصیت پدید آوردند.

ژرژ پرک از جملهٔ همین نویسندگان است. او در رمانی با عنوان *W یا خاطرهٔ کودکی* که در برگیرندهٔ بخش عمده‌ای از خاطرات زندگی اوست، شخصیت داستانی را به منزلهٔ یک کوانتوم در نظر گرفته و زمان، مکان و روایت را متأثر از این دیدگاه سازمان می‌دهد. این راهکار بدیع، نویسنده را قادر می‌سازد تا تعریف و تفکر نوینی را از ژانر حسب حال نویسی و نیز نوشتار ادبی ارائه دهد.

مطالعهٔ حاضر برآنست تا با رویکردی مضمونی و تطبیقی، آن دسته از عملکردهای پرک را که قابل انطباق با تئوری‌های فیزیک کوانتومی است، تشریح کرده و نقطه نظراتی را که وی با استمداد از این نظریه‌ها مطرح نموده، هم به لحاظ صوری و روایی و هم به لحاظ کیفی و محتوایی روشن سازد.

۱- رویکردی کوانتومی به روایتی تخیلی از ژانر حسب حال نویسی

در اواخر سدهٔ نوزدهم، علم فیزیک از نظام‌های استدلالی قدرتمندی بهره می‌گرفت که تردیدناپذیر به نظر می‌رسیدند. سال‌های بسیاری بود که آزمایش‌های دقیق و معتبر، قوانین حرکت نیوتن را تأیید می‌کرد. این قوانین با یقینی که خدشه ناپذیر می‌نمود، حرکت همهٔ اجسام، از اجرام آسمانی تا ریزترین ذرات غیرقابل مشاهده را تفسیر می‌کرد. فیزیکدانان

www.SID.ir

تردیدی نداشتند که اگر در زمانی مشخص، موقعیت و سرعت حرکت جسمی را بدانند، قادر خواهند بود رفتار آن را در هر زمان دیگری (در گذشته یا آینده) محاسبه کنند. اما ظهور نظریهٔ کوانتومی در ابتدای سدهٔ بیستم، بنای رفیع این اعتقادات را به لرزه افکند. نظریه‌های روشنگرانه‌ای که یکی پس از دیگری توسط دانشمندان شگفتی‌ساز این دوران ارائه می‌شد، فهم همگان را از دنیای مادی دگرگون ساخت. نظریاتی چون تابش اجسام، دوگانگی موجی-ذره‌ای ذرات مادی و نور، نسبیت عام و خاص، پیوستار زمان-مکان چهاربعدی، اصل عدم قطعیت و وجود مکمل‌های متناقض، جهان دیگری را تصویر می‌کرد، جهانی که در تشریح پدیده‌های آن قطعیتی وجود نداشت.

در چنین شرایطی، رمان‌نویسان این دوران آگاه از ابهامات دنیای پیرامونشان و متأثر از مطلق‌ستیزی علم، دستورالعمل‌های تثبیت شدهٔ ژانر را وانهاده و زیبایی‌شناسی مبتنی بر ادراکات خود را خلق کردند. جایگاه راوی قابل اعتماد رمان کلاسیک که به دلیل پایبندی به اصل سادهٔ علت و معلول واقع‌گرا پنداشته می‌شد، متزلزل گردید؛ دیدگاه‌های اینشتاین و هایزنبرگ دربارهٔ جایگاه تعیین کنندهٔ ناظر، پشتوانهٔ علمی عقاید نویسندگانی بود که به ترسیم نگرش‌های فردی شخصیت‌ها تمایل داشتند. «گرایش به نسبیت، قبل و بعد از اینشتاین، شاید چشمگیرترین جنبهٔ داستان مدرنیستی –از جوزف کنراد و هنری جیمز گرفته تا آثار مارسل پروست و ویرجینیا وولف– به شمار می‌آمد که در آن از منظر و دیدگاه، اعتمادناپذیری، مطلق ستیزی، ناپایداری، فردیت و ادراک‌های ذهنی استفاده می‌شد» (چایلدز ۸۰-۷۹). این نوآوری سایر عناصر رمان را نیز متحول کرد. مکان از این پس، فقط ظرفی نبود که وقایع در آن رخ دهد و به واسطهٔ حضور شخصیت‌ها جان گیرد؛ رمان نو نویسان فرانسوی، فضا را، نه از طریق بیان تعاریف عینی، بلکه با نمایش تأثیرات ذهنی آن جسمیت می‌بخشیدند؛ زمان روایت، غیرخطی و مخدوش گردید؛ «شدت و فشردگی فضا-زمان، بدیل‌هایی به صورت تراکم جهان در یک ذهن واحد می‌یافت که با «تجلی‌های» جیمز جویسی و «لحظه‌های بودن» ویرجینیا وولفی ترسیم می‌شد (همان ۷۹). شخصیت‌ها غیرقابل درک و دیدگاه‌هایشان گنگ و مبهم می‌نمود. به این ترتیب، خواننده هرگز تصویر عینیت‌گرایانهٔ کاملی از داستان، فضای آن و شخصیت‌ها به دست نمی‌آورد. درحقیقت، نظام و چارچوب حاکم بر رمان قرن پیش به فراموشی سپرده شده و اغتشاش و ابهام موجود در کائنات در رمان مدرن انعکاس یافت.

ویژگی بارز رمان *W یا خاطرهٔ کودکی* نیز فقدان این نظام در شکل و محتوای اثر است. نویسنده، دو روایت مجزا را به شیوه‌ای منحصر به فرد در هم می‌آمیزد. فصل اول کاملاً به حروف ایتالیک نوشته شده است. در این فصل، راوی در نظر دارد از حوادث رازآلود و

www.SID.ir

شگفت‌انگیزی که در جریان سفر خود به شهر W شاهد بوده، پرده بردارد. وی شرح کوتاهی از گذشتهٔ خود ارائه می‌دهد که با گذشتهٔ نویسنده تفاوت دارد و تخیلی بودن روایت را محرز می‌سازد. اما فصل دوم با حروف رومن نوشته شده است. راوی این بخش، شرح دیگری – متفاوت با فصل اول و راوی اول– از زندگی خود ارائه می‌دهد. او به نوشته‌های خود در نشریهٔ *Quinzaine Littéraire* مربوط به سال‌های ۱۹۶۹ و ۱۹۷۰ اشاره می‌کند. در فصل سوم، روایت به حروف ایتالیک و بخش تخیلی داستان بازمی‌گردد و به همین ترتیب تمایز صوری و محتوایی فصول زوج و فرد تا پایان رمان ادامه می‌یابد.

بخش‌های بسیاری از این اثر، به‌خصوص بخش‌های مربوط به خاطرات کودکی، بیانگر به‌کارگیری ژانر حسب حال‌نویسی است؛ پرک از نام و نام‌خانوادگی خود سخن می‌گوید؛ اسامی خاص افراد خانواده و بستگانش را ذکر کرده و خاستگاه لهستانی‌اش را یادآور می‌شود؛ به رمان دیگر خود، *مردی که می‌خوابد* و نیز فیلم سینمایی که براساس آن ساخته شده است و دیگر ماجراهای زندگیش اشاره می‌کند. در این بخش، نویسنده با نگاهی تیزبین و نکته سنج به شرح خاطراتی از کودکی خود می‌پردازد. اما در بخش دیگر، راوی به توصیف W می‌پردازد. W شهری است که تنها مشغولیت ساکنان آن ورزش است. تشریح آیین‌های برگزاری مسابقات ورزشی، قوانین حاکم بر آن‌ها، شرایط ورزشکاران و ورزشگاه‌ها، آرمان‌شهری را پدید می‌آورد که هیچ نقطهٔ مشترکی با دنیای واقعی ندارد. تمامی این بخش زادهٔ تخیل نویسنده است.

به این ترتیب، رمان ترکیب آشفته‌ای از حروف رومن و ایتالیک است؛ آمیزه‌ای از دو روایت نامتجانس که در هم ادغام شده‌اند. پرک نام *W یا خاطرهٔ کودکی* بر آن می‌نهد.

از منظری دیگر، حرف W به خاطره‌ای در کودکی نویسنده گره خورده است. وی در بخش زندگی‌نامه‌ای اثر خود می‌نویسد: «در سیزده سالگی داستانی ساختم، آن را تعریف و ترسیم کردم. پس از مدتی فراموشش کردم. هفت سال پیش، یک شب در ونیز به یاد آوردم که این داستان *W* نام داشت [...]» (۱۸). به عبارت دیگر پرک که « در باز یافتن گذشتهٔ خویش ناتوان است، تلاش می‌کند تا به طور مداوم به همه جای تاریخ سربزند و هریک از مدارک بایگانی شده را به هنگام ضرورت بهره‌برداری کند» (شلینگ ۱۷۵).

در واقع W هم بخش غیر واقعی اثر اوست و هم خاطرهٔ دوران کودکیش؛ هم آرمان‌شهر دوران پختگی اوست و هم ساخته و پرداختهٔ دوران طفولیتش. ازطرف دیگر، متن رمان دربرگیرندهٔ خاطرات کودکی پرک و نیز توصیفات آرمان‌شهر W است. این دو نکته کلمهٔ «یا» در عنوان رمان را به چالش می‌کشد. در حالی‌که هر دو روایت در متن وجود دارد و مفهوم

www.SID.ir

دوگانهٔ W نیز خاطرنشان شده است، اما نویسنده به جای «W و خاطرهٔ کودکی» عنوان «W یا خاطرهٔ کودکی» را برمی‌گزیند.

این تناقض « و/ یا » درنامگذاری رمان، یادآور تناقض معروف مکانیک کوانتومی یعنی «گربهٔ شرودینگر» است. فیزیکدان اتریشی، اروین شرودینگر به منظور تفهیم تناقضات ناشی از ایدهٔ برهم نهی حالات کوانتومی، یک آزمایش فکری انجام داده است: درجعبهٔ بسته‌ای یک گربه زندانی است. در این جعبه، شیشه‌ای پر از گاز سمی و نیز چکشی که در بالای آن آویزان است، قرار دارند. یک اتم رادیو اکتیو که بر اساس احتمالات تنها ۵۰ درصد شانس خنثی شدن و آزاد کردن انرژی را دارد، می‌تواند باعث رهاشدن چکش شود. در این‌صورت شیشه می‌شکند و گربه بر اثر استشمام گاز سمی می‌میرد. بنابراین پس ازمدتی معین و تا زمانی‌که وضعیت گربه از طریق مشاهده تعیین نگردیده است، برای گربه دو حالت در نظر گرفته می‌شود: مرده یا زنده. ولی برطبق معادلات و محاسبات مکانیک کوانتومی مجموع این دو حالت خود یک حالت معتبر بوده و بنابراین می‌توان گفت: «گربه زنده و مرده است.» در واقع براساس این محاسبات، یک ذرهٔ کوانتومی می‌تواند به طور همزمان در چندین حالت وجود داشته باشد، حتی اگر این حالتها با هم در تناقض شدید باشند.[۱]

خوانندهٔ *W یا خاطرهٔ کودکی* نیز با همین فرایند برهم نهی حالت‌ها روبه‌روست. به جای وحدت درشکل و محتوا که ازطریق برگزیدن یک حالت واحد ایجاد می‌شود، رمان به نوعی دوگا نگی رسیده است. در اینجا نیز چون وضعیت گربهٔ مرده و زندهٔ شرودینگر، تناقض بیشترین نمود خویش را می‌یابد. چرا که این دو حالت برهم نهاده، زندگی‌نامه و توصیف آرمان‌شهری‌اند که یکی باید برخاسته از واقعیت ناب و دیگری زادهٔ تخیل محض باشد. از

۱- شرودینگر در نظریهٔ عمومی خود پیرامون رفتار ذرات میکروسکوپی، معادلهٔ موج مکانیک کوانتومی را ارائه داده است که دامنهٔ احتمالات را در مورد پارامترهای مختلف یک ذره تعیین می‌کند. در واقع، این معادله احتمالات مختلف حضور یک ذره را در یک حالت یا حالت دیگر در قالب تعاریف ریاضی محاسبه می‌کند. این معادله یک معادلهٔ خطی است و معادلات خطی این ویژگی را دارند که حاصل ترکیب خطی جواب‌های آن‌ها یک جواب است. در معادلهٔ موج کوانتومی نیز این چنین است. حاصل جمع توابع موج یک ذرهٔکوانتومی خود یک جواب است و تداخل‌های سازنده یا ویرانگر موج را تعیین می‌کند. برای مثال، معادلهٔ موج یک الکترون، دو تابع موج را برای آن تعریف می‌کند که بر اساس یکی، ذره در مکان A و بر اساس دیگری در مکان B قرار دارد. از آنجایی‌که حاصل جمع این دو تابع خود یک جواب است، بنابراین الکترون در عین حال در مکان‌های A و B قرار دارد. این تناقض که معضل بزرگ فلسفهٔ فیزیک کوانتومی است، باعث ظهور نظریه‌های متعددی گردیده است (ر.ک. آیزبرگ، زرنیک ۲۰۷-۲۰۱).

www.SID.ir

همین روست که آرمان‌شهر W به شهری ضد آرمانی تبدیل می‌شود و «آرمان صلح جایگزین خشونتی تمام عیار و تهاجمی مایوس‌کننده می‌گردد. روزمرّگی نفرت آور و وحشتناکی جای رویای دستیابی به خوشبختی را می‌گیرد» (دانژی ۹۰).

بنا بر تعریف فیلیپ لوژن، «حسب حال روایت منثوری است که فرد از زندگی گذشتهٔ خویش می‌نویسد درحالی‌که بر زندگی فردی و به‌ویژه ماجراهای شخصیش، بیشترین تاکید را می‌کند» (لوژون ۱۴). آنچه لوژن بر آن اصرار می ورزد، وفاداری نویسنده به قرارداد ارجاعی است که به موجب آن، وی تعهد می‌کند که اثرش بر اساس واقعیت و تنها واقعیت زندگی خودش باشد. با این تفاسیر، *W یا خاطرهٔ کودکی* در زمرهٔ رمان‌های متداول نمی‌گنجد. این رمان با ساختار ویژهٔ خود، در ژانر حسب حال نویسی تخیلی قرارگرفته است. چراکه این ژانر، با زیر پا نهادن قرارداد ارجاعی، نویسنده را آزاد می‌گذارد تا به منظور زیبایی بخشیدن به زندگی‌نامهٔ خود، دراماتیک کردن آن، ملموس کردن واقعیت پیچیدهٔ زندگیش یا پیچیده کردن واقعیت ساده و یکنواخت آن، از تخیل الهام گیرد. پس «از زندگیش رمانی می‌سازد که در آن هویتش به مانند یک سراب، یک خیال، یک دروغ به تصویر کشیده می‌شود» (علوی ۸۱). دوبروسکی که بنیانگذار این ژانر ادبی است، می‌نویسد: « اگر بیان زمانمند و منطقی را به خاطر هذیان‌گویی شاعرانه یا کلام بدون هدف رها کنیم، کلمات براشیاء تقدم یافته و جای آن را می‌گیرند، بنابراین ما از نوشتار واقع‌گرایانه به سوی عالم تخیل تغییر جهت می‌دهیم» (دوبروسکی ۶۴). بدین ترتیب رمان حسب حال نویسی تخیلی به دست می‌آید که نه واقعیت محض است و نه تخیل محض، بلکه ترکیبی است از آن دو. با چنین رویکردی، این ژانر هم حاصل برهم‌نهادگی دو ژانر حسب حال نویسی که برگرفته از واقعیت و رمان که وامدار تخیل است، می‌باشد. همین برهم‌نهادگی حالت‌هاست که آنی ارنو[1] را بر آن می‌دارد تا در جواب این سوال که چه کسی در *Passion Simple* سخن می‌گوید، پاسخ دهد: « این من هستم و من نیستم» (لوکارم و لوکارم- تابون ۲۷۱). این جمله که گویای اختلاط واقعیت و تخیل در رمان ارنو است، قابل تعمیم به سایر رمان‌های ژانر حسب حال نویسی تخیلی بوده و بر تطابق کامل آن با نظریهٔ بر هم نهی حالت‌های کوانتومی صحه می‌گذارد. چراکه همچون شرودینگر، ارنو نیز وضعیت‌های متناقض را با هم جمع می‌کند و آن‌ها را همنشین یکدیگر قرار می‌دهد.

در بین رمان‌های حسب حال نویسی تخیلی، رمان پرک جایگاه ویژه‌ای دارد. در سایر

1- Annie Ernaux

www.SID.ir

رمان‌های این ژانر، همچون *عاشق* اثر مارگاریت دوراس *(Marguerite Duras)*، رشته‌های واقعیت و تخیل در هم تنیده و تفکیک‌ناپذیر به نظر می‌رسند. دوراس حقایق موجود در گذشتهٔ خویش را به تخیل درمی‌آورد، ولی تخیلات او هرگز از جنسی به جز واقعیت زندگیش نیستند. اما پرک در خلقی بی بدیل، دنیایی جدید، شخصیتی جدید و حوادثی جدید می‌آفریند و آن را در کنار داستان واقعی زندگی خود می‌نهد. این دو روایت سازندهٔ رمان، کاملاً ناهمگون بوده و به وسیلهٔ تمهیدات خاص پرک از هم تمییز داده شده‌اند. اگر پیوندهای بین متنی ظریف این دو روایت را نادیده بگیریم، شاهد جریان همزمان، اما مستقل آنها در کنار یکدیگر خواهیم بود، بمانند آن‌چه در نظریهٔ دنیاهای موازی اِورت (Everett) وجود دارد. این نظریه که به منظور توجیه برهم‌نهادگی حالت‌های کوانتومی ارائه شده است، یکی از جنجالی‌ترین نظریات مکانیک کوانتومی است. برطبق آن، هر یک از حالت‌های برهم نهاده گویای یک واقعیت‌اند و هر واقعیت هم‌زمان با دیگری و مستقل از آن در دنیای خاص خود روی می‌دهد. بر این اساس، گربهٔ شرودینگر در یک دنیا زنده می‌ماند و در دنیای موازی آن می‌میرد (ری ۱۰۵-۱۰۲). در رمان پرک نیز چنین توازی‌ای وجود دارد. او درکنار زندگی‌نامهٔ خود که به مضامینی چون خاطره، فراموشی، نوشتار، کودکی، جنگ و سرگردانی می‌پردازد، رمان حادثه‌ای را روایت می‌کند که از یک ماجرای پلیسی به توصیف شهری اعجاب‌انگیز می‌رسد. در اینجا این سوال پیش می‌آید که چرا پرک به جای خلق دنیایی واحد، نظیر آنچه در سایر رمان‌های ژانر حسب حال نویسی تخیلی وجود دارد، این دو دنیای موازی را می‌آفریند؟ چرا او روایت تخیلی W را به موازات روایت خاطرات کودکی خود پیش می‌برد؟ جواب این سوال را در ماهیت خاطراتش و حقیقت W می‌توان یافت.

۲- از حرکت موجی ذرهٔ کوانتومی تا سیر روایت موجی در حسب حال نویسی پرک

بخش خودزندگی‌نامهٔ رمان پرک این‌چنین آغاز می‌شود: «من خاطرهٔ کودکی ندارم» (۱۷). در جای دیگری می‌نویسد: «کودکی من جزء آن موضوعاتی است که می دانم دربارهٔ آن چیز زیادی نمی‌دانم» (همان ۲۵). ساختاری که به‌تدریج در جریان نگارش شکل می‌گیرد، این ادعا را تایید می‌کند. رمان زندگی پرک، نوشتاری پاره پاره و از هم‌گسیخته است. وی به جای‌آن‌که وقایع دوران کودکیش و احساسات و عواطف خود را در آن دوران، به شیوه‌ای زمانمند و منسجم روایت کند، تکه‌های ریز و درشت خاطرات را بدون تبعیت از هیچ نظم متعارفی در کنار هم قرار می دهد. اما آنچه ذهن خواننده را به طور جدی درگیر می‌کند، ناممکن بودن

www.SID.ir

ارائهٔ توصیفاتی مطمئن و مبتنی بر واقعیت است. گوشه به گوشهٔ این خاطرات مملو از عبارات، توضیحات و تفاسیری است که صداقت گفته‌های نویسنده را زیر سئوال می‌برد. او بارها و بارها همچون منتقدی سرسخت، نوشته‌های خود را مورد شک و تردید قرار می‌دهد. آنچه پرک را به گزینش چنین سبکی وا می‌دارد، ماهیت خاطرات اوست. او می‌نویسد:

«خاطرات، تکه‌های زندگی جداشده در خلائند، هیچ پیوندی ندارند. هیچ چیز آن‌ها را ثابت نگاه نمی دارد. تقریباً هیچ چیز بر واقعیت آن‌ها صحه نمی‌گذارد. هیچ نظم زمانی در آن‌ها وجود نداشت، مگر آنچه خودم به دلخواه در طول زمان بازسازی کردم. زمان می‌گذشت . فصول وجود نداشتند . یا اسکی می‌رفتیم و یا یونجه‌ها را جمع می‌کردیم. آغاز و پایانی وجود نداشت... گه‌گاه مکان تغییر می‌کرد و من به پانسیون دیگری یا نزد خانواده دیگری می‌رفتم. اشیا و جاها اسم نداشتند یا چندین اسم داشتند . مردم چهره نداشتند. یک‌بار یک عمه بود و باردیگر عمه‌ای دیگر یا یک مادر بزرگ. یک روز دختر عمه‌ام را ملاقات می‌کردم، درحالی‌که تقریباً فراموش کرده بودم که دختر عمه‌ای دارم و پس از آن دیگر کسی را ملاقات نمی‌کردم. نمی‌دانستم که این طبیعی است یا غیر طبیعی . نمی‌دانستم که همیشه این‌چنین خواهد گذشت، یا این موقتی خواهد بود...» (همان ۹۸).

در واقع، کودکی پرک دنیای پرآشوبی است که چنان نقد موشکافانه و تعمق بی حد و حصری را می‌طلبد. تأمل و درنگ شایان توجهی که وی در مواجهه با خاطرات کودکیش و در پذیرش آن‌ها به عنوان واقعیت مبذول می‌دارد، عدم اطمینان را بر فضای زندگی‌نامه‌اش حاکم می‌کند و این نکته را به ذهن خواننده متبادر می‌سازد که در این قلمرو چیزی را نباید با یقین پذیرفت، چراکه هیچ چیز قطعی نیست. این خود عامل تطابق بیشتر رمان *W یا خاطرهٔ کودکی* با نظریهٔ کوانتومی است. چراکه عدم قطعیت به عنوان یک اصل در سیستم های کوانتومی نیز وجود دارد. مطابق اصل عدم قطعیت، اندازه‌گیری دقیق کمیت‌های مختلف یک ذرهٔ زیر اتمی امکان‌پذیر نیست. این اصل به دو بخش مربوط می‌شود: اندازه‌گیری هم‌زمان مکان و اندازه حرکت و نیز اندازه‌گیری انرژی جنبشی و زمان این اندازه‌گیری (ر.ک. آیزبرگ و زرنیک ۱۰۷–۱۰۶). دانش بشری فقط می‌تواند میزان عدم قطعیت را در این چهار مؤلفه محاسبه کند.[۱] پرک

۱– اصل عدم قطعیت به خود فرآیند اندازه‌گیری مربوط می‌شود و این واقعیت را بیان می‌کند که بین مشاهده‌گر و مشاهده شونده همواره برهم کنش نامعلومی وجود دارد. درواقع، اندازه‌گیری به‌وسیلهٔ مشاهده‌گر مختل می‌شود (ر.ک. آیزبرگ و زرنیک ۱۰۶).

www.SID.ir

نیز در جریان نگارش خاطرات خود، بارها عدم قطعیت در صداقت نوشته‌های خود را متذکر می‌شود و در این راه شیوهٔ بدیعی را به‌کار می‌گیرد. در فصول ابتدایی بخش زندگی‌نامه، خواننده را به توضیحاتی که، به صورت پی‌نوشت، پس از متن خاطرات خود آورده است، ارجاع می‌دهد. این شگرد به او امکان می‌دهد تا بسیاری از تردیدهای خود را بیان کند. در فصل ۴ ، آنجا که دو خاطرهٔ نخستین خود را ذکر می‌کند، در مورد خاطرهٔ اول در پی‌نوشت می‌نویسد: « همین فزونی دقت، کافی است تا خاطره را ویران کند» (پرک ۲۷).

در حالی‌که متن خاطرهٔ دوم این‌چنین آغاز شده است : « خاطرهٔ دوم کوتاه‌تر است و بیشتر شبیه یک رویاست. به نظرم این خاطره نسبت به اولی به وضوح خیال‌پردازانه‌تر است» (همان).

در فصل ۸، اولین نوشته‌های خود را بدون تغییر کپی می‌کند و ۲۶ بار خواننده را به آنچه «اصلاحات و تفاسیر» می نامد، ارجاع می دهد. اما در این پی‌نوشت‌ها او به وفور از افعال شرطی که بیانگر تردید و عدم قطعیت‌اند، استفاده می‌کند. در فصل ۱۰، نیز که به توصیف مکان زندگی پدر و مادرش در پاریس و به خاطرات مدرسه‌اش اختصاص دارد، چندین بار افعالی چون «به نظرم می‌رسد » ، « فکر می‌کنم» و «حدس می‌زنم» را به‌کار می‌گیرد. در همهٔ نوشته‌های او که از لحاظ ساختاری شباهت بیشتری به خاطره دارند و به بازنمایی وقایعی در گذشته‌اش می‌پردازند، نیز ردّ پای شک و تردیدش در پذیرش همه یا بخشی از آنچه می‌نویسد، به چشم می‌خورد. ماجرای دستی که در روز عزیمتش از پاریس به گردن آویخته، عمل جراحی فتق یا آپاندیسیت قبل یا بعد از این عزیمت، شکستن استخوان کتف، تنها ماندنش در مدرسه، در شب عید نوئل و وقایع پس از آن، همه و همه به واسطهٔ قطعی نبودن در جزئیات یا حتی کلیات، نکات گنگ و غیرقابل‌توضیحی را در ذهن نویسنده و به تبع آن خواننده به جای می‌گذارند. دنیایی چنین پر ابهام را نمی‌توان در قالب حسب حال نویسی خطی کلاسیک روایت کرد. چراکه سال‌های کودکی پرک به عنوان موضوع مورد مطالعه، درگذر از زمان‌ها و مکان‌های گذشته، تابع سیری خطی نیست. بلکه متأثر از عدم قطعیت‌ها، سیری مبتنی بر گمانه‌زنی‌ها و حدسیات دارد، همچون حرکت موجی یک ذرهٔ کوانتومی که تنها با در نظر گرفتن احتمالات در مورد مؤلفه‌های مختلف آن ذره توصیف می‌شود. به این ترتیب، پرک شخصیتی کوانتومی می‌شود که سالهای کودکی خود را موج‌گونه در می‌نوردد.

بر طبق نظریهٔ دوگانگی موج–ذره که در تز دکترای لویی دوبرویی ارائه شد، ذرات مادی نیز مانند ذرات نور، دارای رفتار دوگانهٔ موجی– ذره‌ای‌اند. بر این اساس، هر ذرهٔ زیر اتمی به

www.SID.ir

واسطهٔ موج همبستهٔ آن تعریف می‌شود (ر.ک. آیزبرگ و زرنیک ۹۲-۹۱). به زبان ساده‌تر، اندازه‌گیری دقیق و قطعی مؤلفه‌های یک ذرهٔ کوانتومی غیرممکن است. اینجاست که محاسبه بر احتمالات مبتنی می‌شود، یعنی با در نظر گرفتن همهٔ شواهد قطعی موجود دربارهٔ سیستم و ذره و با استفاده از معادلات مربوطه، مقادیر احتمالی مؤلفه‌های ذره اندازه‌گیری می‌شود. این شیوه را پرک نیز در نگارش خاطرات خود به کار می‌گیرد. او با برشمردن احتمالات مختلف و ارائهٔ اصلاحات و تفاسیر در متن خاطرات یا پی‌نوشت ها، می‌کوشد تا علیرغم همهٔ ابهامات موجود، کودکی خود را ترسیم کند.

در مکانیک کوانتومی، «وجوه ذره‌ای وقتی تأکید می‌شود که گسیل یا جذب ذرات مورد مطالعه قرار گیرد و وجوه موجی وقتی تأکید می‌شود که رفتار آن‌ها در عبور از یک دستگاه مطالعه شود»(همان ۹۸). این نکته، سیر موجی پرک در جریان حسب حال نویسی‌اش را تایید می‌کند. چراکه پرک بمانند نویسندگانی چون سارتر، ژید و دیگران، سعی در تشریح روند رشد و شکل‌گیری استعدادها، توانایی‌ها و باورهای خود ندارد. او به جای توصیف وقایع و تبیین تجربیات خود و تمرکز بر احساسات و عواطفش در رویارویی با موقعیت‌های مختلف، داستان گذار خود از سال‌های جنگ و تأثیرات جنگ و اشغال فرانسه را بر زندگی خود نقل می‌کند. مرگ مادر در اردوگاه نازی‌ها، مرگ پدر در جنگ، سرگردانی و بی‌خانمانی، اقامت در مکان‌های مختلف و تحت سرپرستی خانواده‌های متفاوت، همه و همه را دستگاه جنگ‌طلب هیتلری بر او تحمیل کرده است. او می‌نویسد : «از پیش داستانی شروع شده بود که می‌رفت تا برای من و خانواده ام سرنوشت‌ساز یا در واقع کشنده باشد» (۳۶).

زندگی‌نامهٔ وی، روایت حضورش در این داستان است، روایت گذر او از یک دورهٔ تاریخی، دوره‌ای که تلخ‌ترین حوادث را برای او رقم می‌زند. در نخستین فصل، پرک فقدان خاطرات کودکی را چنین توصیف می‌کند:

«تقریباً تا دوازده سالگی تاریخچهٔ زندگی من در چند سطر می‌گنجد: پدرم را در چهار سالگی و مادرم را در شش سالگی از دست دادم. جنگ را در پانسیون‌های مختلفی در ویلاردولان گذراندم. در سال ۱۹۴۵، خواهر پدرم و شوهرش مرا به فرزندی پذیرفتند.» (همان ۱۷).

درادامه، او « تاریخ دیگری، تاریخ بزرگ زمانه، با همه وسعتش» (همان ۱۷) را مسئول این فقدان معرفی می‌کند .

اما در رویارویی پرک با تاریخ، سیر موج گونهٔ او نمود دیگری می‌یابد. در فصل ۶، برای

www.SID.ir

آگاهی از وقایع تاریخی در روز تولدش به روزنامه های آن روز مراجعه می‌کند و لیست دقیقی از حوادث سیاسی، فرهنگی و اجتماعی روز ۷ مارس ۱۹۳۶ فراهم می‌آورد. برخلاف سرگذشت پر ابهام پرک، تاریخ در گذر هر روز خود، به حافظهٔ جمعی سپرده می‌شود. روزنامه‌ها همهٔ جزئیات «لغو قرارداد لوکارنو به‌وسیلهٔ رایش»، یورش‌های هیتلر، اشغال پاریس، آزادی فرانسه و «تسلیم ژاپن» را ثبت کرده‌اند. در واقع، تاریخ و مردان تاریخ‌ساز، به واسطهٔ قدرت و اهمیت خود در جرگهٔ سیستم های ماکروسکوپی جای می‌گیرند که بررسی دقیق و مطمئن آن‌ها امکان‌پذیر است.[۱] در مقابل، سرنوشت افراد عادی که لحظه‌های تاریخ را زندگی کرده و بار سهمگین آن را مظلومانه به دوش می‌کشند، آشفته و مبهم می‌ماند. همچون ذرات کوانتومی که به دلیل کوچکی جرمشان، رفتار موج گونهٔ خود را بروز می‌دهند، زندگی پرک در سال‌های جنگ، به عنوان عضوی کوچک از یک داستان بزرگ، مه‌آلود و تیره و تار می‌ماند، چراکه این تاریخ بزرگ زمانه است که اهمیت دارد.

بنابراین، آن‌چه پرک به منظور بازنمایی خاطرات کودکی خود به خواننده‌اش ارائه می‌دهد، چشم اندازی مغایر با آن چیزی است که خواننده انتظار دارد. احتمال‌گرایی موجود در روایت وی، گویای این حقیقت است که بر خلاف سایر حسب حال نویسی‌ها، نویسندهٔ *W یا خاطرهٔ کودکی* دانای کل نبوده، بر دنیای اثر خود احاطه کامل نداشته و خود نیز به ضعف خویش اعتراف می‌کند. مثلاً در مورد تصادف خود در جریان اولین سورتمه سواری می‌نویسد: «نمی‌دانم که این تصادف را واقعاً تجربه کردم یا مانند آنچه پیش از این دیده شد، اختراع یا از دیگری اقتباس کردم» (همان ۱۸۴).

پس تخیل در روایت واقعی نیز رسوخ کرده و در آن ادغام شده است. پرک اصل عدم قطعیت را مبنای کار خود قرار داده و صداقت دغدغهٔ اصلی اوست. بنابراین وقایع زندگی‌نامهٔ وی ماهیتی دوگانه می‌یابد. از آنجایی‌که واقعیت آنها مورد ابهام قرار می‌گیرد، می‌توان آنها را واقعی و در عین حال غیر واقعی دانست. درحقیقت هم در روایت W و هم در خاطرات کودکی، ساختاری نظیر آنچه در کل رمان وجود دارد، به چشم می‌خورد. بدین‌ترتیب آزمایش گربهٔ مرده و زندهٔ شرودینگر با تک تک اجزاء رمان نیز قابل تطبیق می‌گردد. چرا که هر جزء به

۱- برطبق معادله موج دوبرویی، طول موج یک ذره با جرم آن نسبت عکس دارد. ذرات ماکروسکوپی به دلیل جرم بالای خود، طول موج کمی دارند و قوانین مکانیک کلاسیک بر آنها حاکم است. در مقابل، ذرات زیراتمی طول موج بالایی دارند وخواص موج گونهٔ آنها به طور تجربی قابل مشاهده است (ر.ک. آیزبرگ، زرنیک، ۱۰۰).

www.SID.ir

صورت عنصری واقعی-تخیلی پدیدار می‌گردد. در واقع رمان به یک سیستم کوانتومی تبدیل شده و همان تناقض بر هم نهی حالت‌ها (گربهٔ شرودینگر) در همهٔ زوایا و عناصر آن قابل مشاهده است.

به منظور حل معضل گربهٔ شرودینگر، فیزیکدانان راه‌حل‌های گوناگونی ارائه داده‌اند. از آن جمله، نظریهٔ ایده‌آلیستی اوژن وینر (Eugene Wigner) است که به موجب آن، بر هم نهادگی حالتها با دخالت شعور آدمی و انتخاب یک حالت واحد پایان می‌پذیرد. به نظر او، عمل مشاهده و دخالت شعور آدمی باعث می‌شود که گربهٔ مرده و زندهٔ شرودینگر به صورت گربهٔ مرده یا زنده دیده شود. وینر در نشستی اعلام کرد: «فیزیکدان‌ها کشف کرده‌اند که بدون اینکه به شعور رجوع شود، غیر ممکن است بتوان توصیفی قانع‌کننده از پدیده‌های اتمی داد» (ارتلی و فربد ۹۴). بنابراین در ایده‌آلیسم وینری نقش اصلی به مشاهده‌گر داده می‌شود.

نویسندهٔ *W یا خاطرهٔ کودکی* نیز چنین رویکردی دارد. این دیدگاه در عنوانی که برای رمان خویش برمی‌گزیند، به روشنی تجلی می‌یابد. جواب این سوال که چرا وی به جای «W و خاطرهٔ کودکی» عنوان «W یا خاطرهٔ کودکی» را برمی‌گزیند، نیز ریشه در همین نگرش دارد. اگر W نماد عناصر تخیلی رمان و عبارت «خاطرهٔ کودکی» نمایندهٔ عناصر واقعی آن در نظر گرفته شود، کلمهٔ «یا» در واقع خواننده را در موضع انتخاب قرار می‌دهد. خیال یا واقعیت؟ یافتن پاسخ برعهدهٔ خواننده است. وی نقش مشاهده‌گر این سیستم کوانتومی را ایفا می‌کند. با مطالعهٔ این اثر، او تابع موج اولیه را دریافت کرده، از احتمالات مختلف آگاه می‌شود و در نهایت، این وجدان آگاه اوست که به دوگانگی پایان داده، با خلق تابع موجی جدید ذهنیتی جدید را پدید آورده و با رجوع به آگاهی و احساس خود حالت درست را شناسایی می‌کند. شعبدهٔ پرک ذهن خواننده را به چالشی مستمر طلبیده و وی را بر آن می‌دارد تا به جای خوانش منفعلانهٔ متن، با وقایع درگیر شده و تفسیر خاص خود را از آن ارائه دهد.

۳- نظریهٔ عدم قطعیت کوانتومی و تقابل آن با چندگانگی هویت در رمان پرک

با این حال، پرک نگارش خاطرات کودکی را راهی به سوی شناخت هویت خویش می‌داند، هویتی سرگردان میان « واقعیتی مردد و پیچیده و تخیلی فزاینده و فراگیر» (علوی ۸۷)، هویتی چند پاره که نگارش آن نشان از سرگشتگی‌های درونی نویسنده دارد. از این روست که به اعتقاد پرک، کودکی «یک افق است، یک نقطهٔ شروع، جایی که محورهای مختصات زندگی [او] جهت خود را یافته‌اند» (۲۵). با چنین رویکردی، وی خود را ملزم به ارائهٔ دقیق‌ترین

Archive of SID

www.SID.ir

توصیف ممکن از کودکی خود می‌کند. در همین راستا، شیوه‌ای منحصر به فرد، باز هم منطبق بر نظریه‌های مکانیک کوانتومی به کار می‌گیرد و برای پرک کودک و کوچک، تابع موج تعریف می‌کند.

در واقع، براساس اصل عدم قطعیت، تشخیص دقیق و قطعی مواضع یک ذرهٔ زیراتمی غیرممکن است و همه چیز بر اساس احتمالات بیان می شود. ابزار محاسبهٔ این احتمالات توابع موج‌اند، توابع زمانی– مکانی که «میزان احتمال یافتن یک ذره در واحد حجم در زمان و مکان معین» را تعیین می کند (آیزبرگ و زرنیک ۱۰۴). در واقع «تابع موج یک ذره حاوی تمام اطلاعاتی است که اصل عدم قطعیت اجازه می دهد تا دربارهٔ ذرهٔ همبسته بدانیم» (همان ۲۳۳).

با تعمق و تأمل می‌توان همین عملکرد را در زندگی‌نامهٔ پرک نیز بازیافت. نویسنده، تلاش خود را تنها معطوف بر گردآوری و روایت آنچه که به یاد می‌آورد، نکرده و با وقوف بر نقش فراموشی و خیال پردازی در تغییر شکل خاطرات و با استمداد از « عکس‌های زرد شده، شواهد کمیاب و اسناد بی‌ارزش» (پرک ۲۶) نوشته‌های خود را بسط داده و واقعی یا غیر واقعی بودن خاطرات را می‌سنجد. در واقع مکتوبات و عکس‌های قدیمی و شهادت شاهدان ابزاری برای تخمین میزان صداقت او در نوشته‌هایش است.

پرک که تنها چند خاطرهٔ تصویرگونه را از پدر و مادر خود در ذهن دارد، در فصل ۸ این کتاب، اطلاعاتی که به کمک همین منابع راجع به پدر و مادر خود، خانواده‌های آن دو، اسامی رسمی و مستعارشان، مهاجرتشان به فرانسه، ازدواج، مشاغل، چگونگی مرگ و دیگر جزئیات زندگیشان را گردآوری کرده است، با نکته‌سنجی در خور توجهی به تفصیل شرح می‌دهد. عکس‌های آن‌ها را به دقت بازبینی می‌کند و لباس‌هایشان، حالت چهره‌هایشان، فضای درون عکس و هر نکتهٔ دیگری را زیر ذره‌بین می‌گذارد. بررسی معانی و صورت‌های مختلف نام خانوادگیش در زبان‌های اصلی، لهستانی و روسی، تشریح چگونگی تبدیل شدن صورت اصلی آن Peretz به صورت فرانسویش Perec و نیز تبارشناسی خانوادگی که زادگاه پرک‌ها را در قرون گذشته می جوید، همه، ژرفای تفحص‌های او را نمایان می‌سازند. انگیزه‌ای که پرک را بر آن می‌دارد، تا چنین موشکافانه به نگارش جزئیات زندگی خانواده و بستگانش دست یازد ، اثبات خویشتن است. او می نویسد: « می‌نویسم، چون ما در کنار یکدیگر زندگی کردیم، چون من یکی از ایشان بودم ، سایه‌ای در میان سایه‌هایشان و جسمی در میان جسم‌هایشان» (همان ۶۳).

در واقع، پرک خویشاوندانش را به مثابهٔ دامنهٔ موج خویش در نظر می‌گیرد. در فصول

www.SID.ir

آخر، با اشاره به اولین کتاب‌ها و فیلم‌هایی که خوانده و دیده است، محصولات فرهنگی دنیایی را که در آن رشد یافته، برمی‌شمارد و برای خود دامنهٔ موج گسترده‌تری تعریف می‌کند. همین دغدغهٔ معین کردن دامنهٔ موج است که پرک را به نگارش اثر دیگرش *من به یاد می‌آورم* تحریض می‌کند. در این کتاب، «به جای خاطرات ارزنده، شخصی و خصوصی، تنها عناصری پیش‌پا افتاده، جمعی و عمومی یافت می‌شود که از ترانه ها، رادیو، سینما، اخبار ورزشی و گرفته شده اند. این عناصر موضوعات مشترک در بین نسلی است که همگی در معرض رسانه‌های یکسان قرار داشته اند» (لوکارم و لوکارم- تابون ۲۳۶). در این مجموعهٔ خاطرات، نویسنده با یادآوری خاطرات رسانه‌ای کم‌اهمیت نسل خود در خلال سال‌های ۱۹۴۵ تا ۱۹۵۵، تعلق خود به این نسل و حضور خود در این سال‌ها را به ثبوت می‌رساند. به همین ترتیب، در بخش زندگی‌نامه‌ای رمان *W یا خاطرهٔ کودکی* ، به منظور تعریف دامنه و تابع موج کودکی خود، پرک سعی در تعیین موقعیت مکانی و زمانی خاطرات و شبه خاطراتش دارد. از این رو، در گوشه‌گوشهٔ رمان به وفور اسامی شهرها، مناطق، جاده‌ها، خیابان‌ها، مدارس و ... را بیان می‌کند و به تاریخ‌ها، وقایع تاریخی یا قیود زمانی اشاره می‌نماید.

چنین شیوه‌ای در نگاه اول عادی به نظر می‌رسد. چرا که بسیاری از حسب حال‌نویسان کلاسیک عناصر زمان و مکان را عواملی بنیادی تلقی کرده و نیز به مسائل مورد توجه پرک پرداخته‌اند. آنچه به این اثر خصلت تابع موجی می‌دهد، زبانی است که او به فراخور دل‌مشغولی‌های خود سرشته و حسب حال نویسی خود را بدان آراسته است. دربارهٔ تولد خود می‌نویسد:

«من در روز شنبه ۷مارس ۱۹۳۶ حدود ساعت ۹ شب در زایشگاهی واقع در شمارهٔ ۱۹ خیابان «لاتاس» در منطقهٔ ۱۹ پاریس به دنیا آمدم. فکر می‌کنم پدرم بود که تولد مرا به شهرداری اعلام کرد. او مرا ژرژ نامید و تابعیت فرانسوی مرا ابلاغ کرد» (۳۵).

او در اینجا خواننده را به پی‌نوشتی با این مضمون ارجاع می‌دهد: « در واقع این اظهار نامه که مطابق مواد بند ۳ قانون ۱۰ اوت ۱۹۲۷ است، چند ماه بعد دقیقاً در ۱۷ اوت ۱۹۳۶ توسط پدرم به قاضی صلح منطقهٔ۲۰ ارائه شد» (همان ۳۶).

در ادامه، کپی این اظهار نامه را به عنوان آخرین سند حضور مادرش معرفی می‌کند. به همین ترتیب، در پی‌نوشت بعدی پیرامون صحت گفته‌های خویش دربارهٔ مرگ خواهرش به شهادت عمه‌اش استناد می‌کند. در حقیقت، زبان او زبانی خشک و عینیت‌گراست که می‌کوشد حقایق را طبقه‌بندی کند، زبانی که تنها بر اساس داده‌ها قضاوت می‌کند و هیچ پیش‌داوری

www.SID.ir

ندارد. اگر در نخستین نوشته‌های خود، مرگ پدر و مادرش را با اندکی تأسف و تأثر به یاد می‌آورد، در پی‌نوشت، عنصر احساس را حذف و تنها به منظور تصحیح و تکمیل نوشته‌های خود اطلاعات چند سند رسمی را بازنویسی می‌کند. این زبان بیگانه با تغزل، برای آن‌که قادر به توصیف زندگی یک شخصیت کوانتومی باشد، قطعیت‌ها را رها کرده و به زبان احتمالات تبدیل می‌شود. در این خودزندگی‌نامه، وضعیت‌های محتمل فراوانی ذکر شده است. در فصل ۱۰، پرک دو احتمال را برای دلیل خروج خود از پاریس همراه با نیروهای صلیب سرخ بیان می‌کند. او به یاد می‌آورد که در روز عزیمت او را مصدوم جلوه داده‌اند. ولی عمه‌اش چنین چیزی را به یاد ندارد و فکر می‌کند که نیروهای صلیب سرخ او را به این دلیل از پاریس خارج کرده‌اند که فرزند یکی از کشته‌های جنگ بوده است. در ادامه، دربارهٔ عمل جراحی خود سه احتمال می‌دهد: جراحی هم‌زمان فتق و آپاندیسیت پس از ورود به گرونوبل (آنچه خود به یاد می‌آورد)، عمل جراحی آپاندیسیت مدت‌ها پس از ورود به گرونوبل (آنچه عمه اش به یاد می‌آورد)، جراحی فتق در زمان حیات پدر و مادرش در پاریس (آنچه دختر عمه‌اش به یاد می‌آورد). در فصل ۱۵ ماجرای شکستن استخوان کتف خود را با تمام جزئیات شرح می‌دهد، ولی در پایان با کمک شواهد و قراین به این نتیجه می‌رسد که این حادثه، نه برای او، بلکه برای هم‌کلاسیش فیلیپ رخ داده است. ولی این نتیجه‌گیری هم تنها به صورت یک وضعیت محتمل باقی می‌ماند. در حقیقت، خوانندهٔ او که در میان انبوهی از تردیدها و احتمالات گرفتار است، حتی در صدق گفته‌های قطعی او نیز تردید می‌کند و واقعیت‌های موجود را نیز به عنوان وضعیت‌های محتمل قلمداد می‌کند. به این ترتیب، رویکرد احتمالاتی به عنوان شیوه‌ای کارامد و مناسب برای تعبیر و تفسیر سیستم‌های کوانتومی، رویکرد خاص پرک در نگارش خاطرات کودکیش می‌شود. همین امر به حسب حال نویسی او خصلت‌های تابع موج گونه می‌دهد و آن را از حسب حال نویسی‌های کلاسیک متمایز می‌سازد. اما این نگرش تابع موجی تا کجا گسترده می‌شود؟ آیا به بخش خودزندگی‌نامه ختم می‌شود؟ بخش تخیلی رمان در این بین چه جایگاهی دارد؟

سال‌های کودکی پرک مقارن با دورانی است که اروپا تاراج بی‌امان جنگ جهانی دوم را تجربه می‌کرد. خودزندگی‌نامهٔ پرک، چنانکه گفته شد، داستان گذارش از دوران جنگ است. پدرش در جنگ و مادرش در اردوگاه‌های نازی‌ها به کام مرگ فرو می‌روند و وی کودکی را در آوارگی سپری می‌کند. سرآغاز این آوارگی، جدایی از مادر است. این حقیقت در دوپارگی ساختار حسب حال نویسی نیز متجلی می‌شود: بخش اول، شرح سال‌های حضور مادر است و

www.SID.ir

بخش دوم، روایت سال‌هایی است که بدون او، در سرگردانی و بی‌سامانی می‌گذرند. نقش هولناکی که این فقدان در سرنوشت پرک رقم می‌زند، پای اردوگاه‌های دشمن را که قتلگاه مادر بوده‌اند، به زندگی او می‌گشاید. این اردوگاه‌ها بخشی از حقایق مدفون در روزگار کودکی نویسنده‌اند. ولی در زندگی‌نامه به این مقوله پرداخته نمی‌شود. تنها در فصل ۳۵، به حضور خود در نمایشگاه عکسی دربارهٔ آن‌ها اشاره می‌کند و در فصل ۳۷، بخشی از مقالهٔ دیوید روسه را در این مورد بازنویسی می‌کند. نویسنده هیچ خاطره، شبه خاطره، سند یا عکسی که این مکان‌ها را مستقیماً به زندگی وی مربوط کند ندارد. وی تنها به واسطهٔ مادرش به آن‌ها پیوند می‌خورد. بنابراین قادر به توصیف و تشریح آن‌ها به عنوان یک خاطره نیست. اما از سوی دیگر، اردوگاه‌ها حقیقت تلخ زندگی اویند و داستان کودکی او تنها با ارائهٔ تصویری روشن و شفاف از آن‌ها کامل می‌شود.

چنانکه گفته شد، بخش تخیلی این رمان آیین‌های منحصر به فرد مردم ساکن در جزیرهٔ Wواقع در سرزمین آتش را توصیف می‌کند که ورزش تنها اشتغال آن‌هاست. پس می‌توان گفت که این روایت بازآفرینی نوشتاری همان تصاویری است که نگارنده در سن سیزده سالگی از W ترسیم می‌کرد. از این منظر، بخش تخیلی داستان بخشی از زندگی‌نامهٔ پرک است. چرا که برخاسته از کودکی او و یکی از خاطرات او می‌باشد.

اما از منظری دیگر، وی با استمداد از توانمندی‌های نگارشی خود بازی دوران کودکیش را از سر می‌گیرد تا حقیقت ناگفتنی اردوگاه‌ها را بیان کند. این چنین است که W خلق می‌شود و به موازات زندگی‌نامه و مستقل از آن پیش می‌رود. اما پرک به شکلی پوشیده و در قالب اشاراتی به نقاشی‌های سیزده سالگی خود راز W را فاش می‌کند. وی تنها در دو فصل ابتدایی و پایانی به این دو خاطره می‌پردازد. گره معما در فصل آخر باز می‌شود. در پاراگراف اول می‌نویسد: « طی سال‌ها ورزشکارانی با اندام خشک و چهره‌های غیر انسانی ترسیم می‌کردم. به دقت نبردهای بی‌وقفهٔ آن‌ها را شرح می‌دادم و لیست بی پایان برندگان را می‌شمردم» (همان ۲۲۱).

به دنبال آن، خواننده ناگهان به وسیله مقالهٔ دیوید روسه به فضای هراس‌انگیز اردوگاه‌ها وارد می‌شود. و باز هم در پاراگراف پایانی به خاطرهٔ نقاشی‌ها باز می‌گردد: «من فراموش کرده‌ام که چرا در دوازده سالگی سرزمین آتش را به عنوان محل استقرار W انتخاب کردم. فاشیست‌های پینوشه آخرین بازتاب را به تخیلات من دادند» (همان ۲۲۲).

در اینجا، اشارهٔ پرک به اردوگاه‌هایی است که حکومت شیلی در سال ۱۹۴۸، تحت

www.SID.ir

نظارت پینوشه و برای نگهداری صدها زندانی در سرزمین آتش به وجود آورد. این واقعهٔ تاریخی الهام‌بخش او برای انتخاب سرزمین آتش به عنوان قرارگاه W است. این‌چنین بخش تخیلی رمان به عنوان برداشتی از خاطرهٔ کودکی نویسنده به اردوگاه‌های فشار پیوند می‌خورد. اما رسالت W تنها نمایش حقایق موجود در اردوگاه‌ها نیست. این تمثیل در سطحی بالاتر قابل تعمیم به دنیایی است که پرک کودکی خود را درآن گذرانده است. آفرینش W تلاشی است برای بازنمایی نمادین ابزارهای قدرتی که زورمندان برای غلبه بر ضعفا به خدمت می‌گیرند. رمان پرک به عنوان یک حسب حال نویسی باید حاوی چنین تصویری باشد. بدین‌سان روایت خاطرات کودکی، فقط درصورتی که با W همراه شود، می‌تواند بی‌نقص‌ترین و کامل‌ترین شرح را از آن دوران ارائه دهد. تنها در این صورت است که نویسنده می‌تواند خود را به تمامی در زمان و مکان گذشتهٔ خود توصیف کند. اگر او با همهٔ خصلت های کوانتوم‌گونه‌اش در نظر گرفته شود، W نیز بخشی از تابع موج اوست، آن بخشی که روایت خاطرات کودکی به دلیل الزامات خاص خود قادر به تعریف آن نیست. در واقع، این دو بخش سازندهٔ رمان *W یا خاطرهٔ کودکی* مکمل یکدیگر بوده و هرگز نباید آنها را مجزا تلقی کرد. پس این رمان آمیزه‌ای بی سامان از دو روایت نامتجانس نیست. پرک در دل بی‌نظمی و آشوب ظاهری حاکم بر رمانش نظمی فراگیر را می‌پروراند.

نتیجه

با توجه به موارد ذکرشده، تصویر روشنی از اهداف پرک به دست می‌آید. وی با خلق مکمل‌های متناقض، درحقیقت بر ساختگی بودن روایت خویش صحه می‌گذارد. ساختار نامتعارف و بی انسجامی که درنتیجهٔ آمیزش صفحات رومن و ایتالیک و تلفیق واقعیت و تخیل حاصل می‌شود، اذهان خوانندگان را از توجه به معنا بازداشته و با تکنیک‌های نگارشی درگیر می‌سازد. بدین ترتیب نوشتاری بودن روایت محرز می‌گردد. خودزندگی‌نامهٔ نویسنده، با تخیل او در هم می‌آمیزد تا گواهی باشد بر این حقیقت که نوشتار هرگز نمی‌تواند واقعیت را به تمامی منعکس کند و هیچ متنی قادر به بازنمایی کامل و بی عیب و نقص حقایق مورد نظر خود نیست.

از سوی دیگر، پرک با رجوع به شواهد و مدارک و اصرار بر شرح صادقانهٔ خاطراتش، مبانی ژانر زندگی‌نامه را تأیید می‌کند. ولی در عین حال، با بیان تردیدها، عدم قطعیت‌ها و تفاسیر احتمالاتی صداقت را ناممکن دانسته و ژانر حسب حال نویسی را زیر سؤال می‌برد.

Archive of SID

www.SID.ir

تثبیت و درعین حال متزلزل ساختن این ژانر، تلفیق ژانرها و نیز نامطمئن جلوه دادن نوشتار ادبی مواردی است که رمان *W یا خاطرهٔ کودکی* را وارد حوزهٔ پست‌مدرنیسم می‌سازد. او برای تبیین و تشریح نظرات خود، مفاهیم بنیادی فیزیک کوانتومی را به کار می‌گیرد، مفاهیمی که یافته‌های نیوتن را منسوخ کرد. با علم به اینکه فیزیک نیوتنی به عنوان سرآغاز پیشرفت‌های علمی غرب یکی از عوامل تکوین انقلاب صنعتی و ظهور مدرنیته تلقی شود، پس می‌توان وجه دیگری از پست‌مدرنیسم یعنی ضدیت با مدرنیته را نیز در اثر پرک باز شناخت.

Bibliography

Alavi, Farideh. (1383 / 2005). "L'Autofiction: Miroir Brisé et le Moi Divisé" (Antofiction: The Shattered Mirror and the Shattered Self). *Pazhuhesh-e Zabanha-ye Khareji* (Periodical of the Faculty of Foreign Languages). Tehran University. 21: 77-92.

Braffort, Paul. (1999). *Science et Littérature, les Deux Cultures, Dialogues et Controverses pour l'An 2000* (Science and Literature, the Two Cultures, Dialognes and Controversies in the year 2000). Paris: Diderot Multimédia.

Childs, Peter. (1382/2003). *Modernisme* (Modernism). Trans. Reza Rezaï. Tehran: Mâhi.

Dangy, Isabelle. (2002). *Etude sur Georges Perec* (Study on George Perec). Paris: Ellipses.

Doubrovsky, Serge. (1988). *Autobiographie, de Corneille à Sartre* (Autobiography from Corneille to Sartre). Paris: Press universitaire de France.

Eisberg, Robert and Robert Resnick. (1362/1983). *Physic Quantomi* (Quantum Physics). V. 1. Trans. Nasser Nafari. Tehran: Markaz-e Nashr-e Daneshgahi.

Lecarme, Jacques and Éliane Lecarme-Tabone. (1997). *L'Autobiographie* (Autobiography). Paris: Armand Colin/ Masson.

Lejeune, Philippe. (1971). *Autobiographie en France* (Autobiography in Frech Literature). Paris: Armand Colin.

Pharabod, *Jean-Pierre* and Sven Ortoli. (1372/1993). *Phalsafeye Physic Quantomi* (The Philosophy of Quantum Physics). Trans. Mehran Mostafavi. Tehran: Nashre Kalam.

Perec, Georges. (1975). *W ou le Souvenir d'Enfance* (W, or the Memory of Childhood). Paris: Ed. Denoël.

Rae, Alastair. (1374). *Phisic-e Quantumi: Khial ya Vagheyat?* (Quantum Physics: Illusion or Reality?), Trans. Mohammad Ali Nobari Gomeshi. Tehran: Anjoman-e Phisic-e Iran and Fatemi.

Archive of SID

www.SID.ir

Schillig, Derek. (2006). *Mémoires du auotidien: Les Lieux de Perec* (Everyday Memories: Perec's Novels' Setting). Villeneuve d'Ascq: Presses Universitaires du Septentrion.

Archive of SID

www.SID.ir